

تاب آوری
در زمانه سختاقتصادفرساینده
و زخم‌های پنهان روابط انسانی

قادر باستانی‌تبریزی

پژوهشگر علوم ارتباطات

نمی‌دانیم دقیقاً چقدر از اختلافات خانوادگی به فشارهای اقتصادی برمی‌گردد، اما همه این واقعیت را حس می‌کنیم. قدرت خرید مردم نسبت به چهار سال پیش نصف شده، هزینه‌ها هر روز بیشتر و فاصله میان درآمد و نیازهای زندگی مدام بزرگتر می‌شود. این فاصله فقط کارت بانکی را خالی نمی‌کند، بلکه رابطه‌های داخل خانواده را هم خسته و فرسوده می‌کند. اقتصاد آشفته امروز دیگر فقط در نمودارها نیست و به تجربه روزمره مردم تبدیل شده است. تجربه‌ای که امید، گفت‌وگو و توان ذهنی ما را کم‌رنگ می‌کند و آرام آرام از انسجام اجتماعی می‌کاهد. فقر مزمن بر امید، رابطه‌ها، رفتارها و احساس تعلق شهروندان اثر گذاشته است. آمارهایی که اقتصاددانان منتشر می‌کنند، از جهشی نگران‌کننده حکایت دارد. پس از حدود یک‌دهه ثبات در نرخ فقر در محدوده ۲۰ درصد، کشور از سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ وارد دوره‌ای از افزایش شدید شد و نرخ فقر به ۳۰ و ۳۱ درصد رسید. برآوردهای تازه نشان می‌دهد، جامعه امروز درآستانه ورود به کانال ۴۰ درصد قرار دارد. گزارش‌های مبتنی بر سبد کالری نیز تأیید می‌کند که بیش از ۴۰ درصد جمعیت، زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این یعنی میلیون‌ها نفر گرفتار ناتوانی در تأمین حداقل‌های زیستی هستند. یکی از روند‌های نگران‌کننده، بزرگ‌شدن «طبقات آستانه‌ای» است؛ یعنی گروه‌هایی که با یک شوک کوچک، ممکن است یک‌باره زیر خط فقر سقوط کنند. در سال ۱۴۰۰ حدود ۳۰ درصد مردم در این وضعیت بودند. اما امروز طبقات مختلف جامعه با سرعت و شدتی کم‌سابقه به سمت پایین فشرده شده‌اند. اختلاف هزینه و مصرف دهک‌ها آن قدر کم‌شده که گاهی فاصله کالری مصرفی دهک‌های سوم تا پنجم فقط به اندازه یک‌عدد میوه یا یک نان لواش است. یعنی حذف همین خریدهای کوچک می‌تواند یک خانواده را از طبقه میانی شکندند، به فقیر تبدیل کند. حتی هزینه خوراک دهک‌های میانی نیز فقط ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان. نه‌ای‌تا یک میلیون تومان. با یکدیگر تفاوت دارد که فاصله‌ای بسیار اندک برای شکل‌گیری یک طبقه متوسط پایدار است. از میان حدود ۳۰ میلیون خانوار، تنها کمتر از ۲ میلیون خانوار توانسته‌اند ماهانه بیش از ۲۰ میلیون تومان خرید ثبت کنند. این داده‌ها تصویری روشن از توده‌ای شدن شکنندگی اقتصادی ارائه می‌دهند. در چنین وضعیتی، شبکه‌های حمایتی سنتی - خانوادگی، خیریه‌ها، نهادهای مدنی - نیز زیر فشار قرار گرفته‌اند. افزایش متقاضیان و رشد ناچیز منابع موجب شده خدمات حمایتی کاهش یابد یا کیفیت آن افت کند. به عبارت دقیق‌تر، این شبکه‌ها نیز به مرز شکنندگی ساختاری رسیده‌اند. اما بحران فقط در کاهش درآمد نیست، ترکیب هزینه‌های خانواده‌ها نیز از هم پاشیده است. در استانداردهای جهانی، معمولاً حدود ۷۰ درصد هزینه خانوار باید صرف شش نیاز اساسی شامل خوراک، پوشاک، مسکن، حمل‌ونقل، آموزش و سلامت شود، اما در کشورمان بیش از ۹۱ درصد هزینه‌ها به همین شش قلم محدود شده و در کلان‌شهرها حتی از این رقم هم بالاتر می‌رود. این یعنی خانواده ایرانی سال‌هاست از هزینه‌هایی که کیفیت زندگی را می‌سازند حذف شده؛ فراغت، سفر، خرید دارایی‌های بادوام، فعالیت‌های فرهنگی و هر چیزی که به زندگی بهتر مربوط است. به بیان ساده، خانوار ایرانی نه پس‌اندازی دارد و نه سطحی برای مدیریت بحران که یک ضربه کوچک می‌تواند همه تعادل زندگی را به هم بریزد. این وضعیت، پیامدهای عمیقی بر ارتباطات انسانی دارد. استرس مالی، تنش‌های خانوادگی را افزایش می‌دهد. کاهش توان روانی، امکان گفت‌وگو را کم می‌کند. خوش‌خلفی و صبوری جای خود را به خستگی و اضطراب می‌دهد. کودکان این فشار را از والدین جذب می‌کنند. جوانان امیدشان را به آینده از دست می‌دهند. جامعه‌ای که با فشار مداوم زندگی می‌کند، دچار کاهش آستانه تحمل می‌شود. بی‌اعتمادی و سوءتفاهم‌ها بیشتر می‌شود و همبستگی اجتماعی رو به افول می‌رود. عمومی شدن فقر، مدل‌های رایج سیاست‌گذاری را ناکارآمد کرده است. کشور با وضعیتی بی‌سابقه روبروست که تنها با بازنگری و تحول جدی در تحلیل‌ها، سیاست‌ها قابل درک و درمان است. اما در کنار سیاست‌گذاری، نباید نقش روابط انسانی را فراموش کرد. در لحظه‌ای که اقتصاد تاب‌آوری ما را می‌فرساید، ارتباطات انسانی می‌تواند مرهم باشد. گفت‌وگوی صادقانه در خانواده، شبکه‌های حمایتی اجتماعی، مهربانی‌های کوچک، قضاوت کمتر و همدلی عمیق‌تر. شاید این‌ها نتوانند تورم را مهار کنند، اما می‌توانند روح جامعه را از فرسایش قدری برهاند. در میان همه سختی‌ها، آنچه می‌تواند ما را نگه دارد، پایداری ارتباط انسانی، گفت‌وگو و همدلی است. کنار هم باشیم.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: ایرانا

نوبت پاسخگویی آقامیری

دبیر شورای عالی فضای مجازی باید درباره محدودسازی اینترنت
و تبعات تبعیض آمیز گزارش دهد

گروه فناوری: دو هفته از افشای فعالیت سیم‌کارت‌های سفید می‌گذرد؛ سیم‌کارت‌هایی که به صاحبان‌شان دسترسی آزاد به اینترنت داده است. این اتفاق با نظرات مخالف و موافق زیادی مواجه شد. مخالفان از آن به عنوان تبعیضی بزرگ در اینترنت ایران یاد کردند، اما از نظر موافقان، اینترنت ابزار بر خی مشاغل از جمله اصحاب رسانه است و باید آن‌ها دسترسی آزادانه‌تری نسبت به باقی کاربران داشته باشند. در مقابل، کاربران ایرانی که سال‌هاست برای دسترسی به اینترنت با اختلال، کندی و محدودیت فیلترشکن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بیش از پیش عصبانی و ناراضی شدند. دستور اخیر رئیس جمهور مبنی بر سیاه کردن سیم‌کارت‌های سفید هم آن‌ها را راضی نکرد. منتقدین بر این باورند که با افشای فعالیت این سیم‌کارت‌ها لزوم تحقق وعده کلیدی دولت چهاردهم مبنی بر رفع فیلترینگ گسترده بیش از پیش عیان شد و نباید در این خصوص تعلل کرد. با این حال رئیس جمهور برای چندمین بار در روز دانشجو تأکید کرد که مسئله فیلترینگ تنها با دستور او حل نمی‌شود. پس از این اظهارات، ستار هاشمی، وزیر ارتباطات روز گذشته در نامه‌ای به دبیر شورای عالی فضای مجازی، خواستار این شد تا درباره سیم‌کارت‌های سفید به مردم گزارش بدهد. انتشار این نامه دوباره این ابهام و سوال دیرینه را نسبت به اینکه چه نهاد فردی مسئول محدودیت‌های اینترنت و رفع آن در ایران است، طرح کرد.

▼ محدودیت‌های اینترنت در ادولتی است؟

از زمان شروع به کار دولت چهاردهم تاکنون بارها وعده رفع کامل فیلترینگ داده شد، اما فعلاً ایرانی‌ها فقط به واتساپ و گوگل پلی آزادانه و بدون فیلترشکن دسترسی دارند. رئیس جمهور و سایر مسئولان دولت هم دلیل تأخیر در تحقق این وعده را اجماع بین همه تصمیم‌گیران در حوزه اینترنت اعلام می‌کنند. به گفته آن‌ها، رفع فیلترینگ در دستور کار دولت است و به دنبال هماهنگی و اجماع بین دستگاه‌های مختلف هستند تا مخالفت‌ها را به حداقل برسانند. با این حال بیش از یک‌سال از فعالیت دولت چهاردهم می‌گذرد و هنوز موفق به اجماع در رفع فیلترینگ نشده‌اند. حتی مسعود پزشکیان، رئیس جمهور نیز در روز دانشجو اعلام کرد که اگر فرد بود فیلترینگ با دستور او رفع شود، همان‌روز این دستور را صادر می‌کرد. اما جدای از دستور مستقیم رئیس جمهور، سال‌هاست که سرنوشت اینترنت در ایران به‌دست اعضای شورای عالی فضای مجازی نوشته می‌شود. رفع فیلتر گوگل پلی و واتساپ هم طبق مصوبه همین شورا انجام شد. از اواخر سال ۱۳۹۰ با تشکیل شورای عالی فضای مجازی، هرگونه تصمیم‌گیری درباره اینترنت و فضای مجازی بر عهده این شورا قرار گرفت. یکی از پروژه‌های کلیدی این شورا در سال‌های فعالیت‌اش طرح اینترنت ملی است که هدف آن کاهش وابستگی به اینترنت جهانی و ایجاد یک فضای مجازی مستقل برای کشور است. علاوه بر این، شورای فضای مجازی بر توسعه و کنترل شبکه‌های داخلی به عنوان شبکه جهانی متمرکز است که این رویکرد به‌صورت غیرمستقیم به محدودیت‌های اینترنتی منجر می‌شود. این شورا حتی در زمان بحران و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی درباره کنترل شبکه‌های اجتماعی تصمیم می‌گیرد. در نتیجه همین نگاه محدودکننده به اینترنت، شکلی از تبعیض و رانت در فضای اینترنت کشور شکل گرفت. در سال‌های اخیر هربار اسم‌های مختلفی از اینترنت طبقاتی در قالب اینترنت اساتید، دانشجویان، خبرنگاران، فعالان اقتصادی و... شنیده و هربار با تکذیب مسئولان مواجه می‌شود. اما افشای سیم‌کارت‌های سفید نشان داد که رانت و تبعیض به‌اندازه فیلترینگ در اینترنت کشور نهادهای شده‌اند؛ تا جایی که مخالفان و مدافعان فیلترینگ هم از سیم‌کارت‌های سفید و اینترنتی متفاوت از مردم استفاده می‌کنند. همین اعضای شورای فضای مجازی که از مخالفان جدی رفع فیلترینگ هستند، نام برخی از آن‌ها در صاحبان سیم‌کارت‌های سفید دیده شد. پس از تشدید انتقادهای نسبت به این سیم‌کارت‌ها، رئیس جمهور دستور سیاه کردن آن‌ها را داد و وزیر ارتباطات هم در نامه‌ای به دبیر شورای فضای مجازی خواستار توضیح درباره سیم‌کارت‌های سفید به مردم شد. این موضوع، باری دیگر مسئله نبود متولی واحد اینترنت و محدودیت‌های آن را در کشور پررنگ کرد.

حالا هم وزیر ارتباطات در نامه به دبیر شورای فضای مجازی نوشته است

که با عنایت به محوریت آن شورا در سیاست‌گذاری‌های کلان فضای مجازی کشور و با توجه به دستور صریح رئیس جمهور محترم در خصوص دسترسی‌های موسوم به «سیم‌کارت سفید» که معلول سیاست‌های مسدودسازی در سال‌های گذشته بود و نژد افکار عمومی بازتاب منفی داشته، شایسته است تا گزارش آن به استحضار مردم شریف ایران رسانده شود.

▼ شورای فضای مجازی سیم‌کارت‌ها را سفید کرد؟

کارشناس‌ها و کنشگران اینترنت این نامه را تأیید چندباره درادولتی بودن اینترنت در کشور دانستند. از نظر آن‌ها، فلسفه وجودی شورای عالی فضای مجازی «سلب اختیار از دولت» و انتقال آن به نهادهای بوده که مأموریت‌اش، نه گسترش اینترنت، بلکه مدیریت امنیتی و محدودیت محور آن است.

حامد بییدی، کنشگر اینترنت نیز در گفت‌وگو با «هم‌میهن» از این نامه به دلیل تقویت جایگاه شورای عالی و مرکز ملی که اساساً در قوانین وجود ندارد، انتقاد کرد. او ابتدا بر ضرورت مرور فلسفه شکل‌گیری شورای عالی فضای مجازی تأکید کرد و گفت: این شورا پس از مجموعه‌ای رخدادهای سیاسی و امنیتی با هدف ایجاد نوعی «شبکه مستقل از اینترنت جهانی» شکل گرفت. شبکه‌ای که هم در لایه زیرساخت، هم در سطح خدمات از اینترنت بین‌المللی جدا باشد. از همان زمان، رویکرد اصلی این بود که سیاست‌گذاری‌های بنیادین حوزه اینترنت از دست دولت خارج شود و به یک نهاد فوق‌دولتی و انتصابی سپرده شود. «بییدی تأکید کرد که وضعیت کنونی اینترنت در ایران، در واقع همان مسیری است که از ابتدا برای شورا طراحی شده بود. به گفته او، دولت سال‌هاست در حوزه اینترنت عملاً فاقد اختیار است و تصمیم‌گیری‌ها در اختیار شورایی قرار دارد که «هیچ‌گاه رویکردش گنایش نبوده» به این دلیل که مبنای تأسیس آن نیز همین نبوده است.

او با مرور مصوبات سال‌های گذشته شورا اظهار کرد: «روح حاکم بر تمام آن‌ها تهدید انگاری اینترنت بوده است؛ از طرح‌هایی مانند مونور جست‌وجوی ملی، سیستم عامل ملی و تولید گوشی بومی گرفته تا سیاست‌هایی مانند فیلترینگ، کاهش پهنای باند و مسدودسازی سرویس‌ها، تقریباً همه این تصمیم‌ها از زیر چتر شورای عالی فضای مجازی بیرون آمده‌اند». بییدی در ادامه توضیح داد که باید تفکیکی جدی میان شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی قائل شد. او در این باره توضیح داد: «در واقع این مرکز ملی است که همه امور را مدیریت و هدایت می‌کند. شورا بیشتر نقش نهاد مشروعیّت‌بخش را دارد. نقشه راه و تصمیمات اصلی سال‌هاست در بدنه کارشناسی و مدیریتی مرکز ملی نوشته شده و شورا تنها محل تصویب نهایی است؛ آن هم توسط اعضای که اغلب تخصصی در حوزه اینترنت ندارند». او همچنین با اشاره به تعارض دیرینه میان وزارت ارتباطات و مرکز ملی گفت: «طبق قانون، تصمیم‌گیری درباره اینترنت وظیفه دولت و وزارت ارتباطات است، اما مرکز ملی فضای مجازی که هیچ جایگاهی در قوانین مصوب مجلس ندارد، عملاً جای دولت را گرفته است». بییدی در ادامه صحبت‌های خود مطرح کرد که مسئله اصلی این است که دولت تا چه اندازه می‌خواهد یا می‌تواند اختیارات قانونی خود را پس بگیرد. او خاطرنشان کرد که ساختار مرکز ملی و مصوبات شورای فضای مجازی هیچ جایگاه قانونی مشخصی ندارند و در مقابل، دولت طبق قانون موظف است سیاست‌گذاری و اجرای امور اینترنتی را بر عهده داشته باشد. در نهایت این نامه وزیر ارتباطات یک گام به سمت شفاف‌سازی و مقابله با سیاست‌های موجود است. به‌ویژه آنکه دبیر شورای عالی فضای مجازی در طول فعالیت‌اش در مقابل تصمیمات دولت و وزارت ارتباطات قرار دارد و به اعتقاد برخی از منتقدان، آقامیری برای تداوم فیلترینگ در کشور انتخاب شده است. بنابراین آنچه واضح است این است که شورای عالی فضای مجازی، با تمام سیاست‌های محدودکننده‌اش، نقش بزرگی در وضعیت کنونی اینترنت کشور دارد و حالا با افشای سیم‌کارت‌های سفید، این سوال پیش می‌آید که آیا همین شورا و افرادی که مسئولیت آن را بر عهده دارند، پاسخگوی این شکاف‌های اجتماعی اقتصادی خواهند بود یا خیر؟

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی

• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

چهره

استاد اساتید



علی اصغر گرمسیری، وقتی در ۱۹ آذرماه ۱۳۷۹ درگذشت، ۸۹ سال داشت؛ عمری که بی‌اغراق ۷۵ سال از آن را در عالم هنر به سر برده بود و با کوله‌باری از دانش و تجربه، او را به یکی از فرهیختگان تئاتر ایران بدل کرده بود. با نمایش شروع کرد و بعدتر در اولین دوره «هنرستان هنرپیشگی تهران» در سال ۱۳۱۸

معلم تئاترشناسی شد. بیش از دو دهه، استاد هنرستان هنرپیشگی بود و در این مدت دانشجویانی پرورش داد که بسیاری از آن‌ها بعدتر به شخصیت‌های مهم در عرصه نمایش بدل شدند؛ کسانی همچون محمدعلی جعفری، مهین اسکویی، علی نصیریان، عباس جوانمرد، جعفر والی و نصرت کریمی. گرمسیری در مجموع ۱۴ نمایشنامه نوشت و دست‌کم ۶۰ نمایشنامه را کارگردانی کرد یا در آن‌ها بازی داشت. با همه این سوابق تئاتری، ورود او به سینما با «ناخدا خورشید» ناصر تقوایی در ۷۵ سالگی شروع شد. بعد از آن البته هم در سینما، هم در تلویزیون، حضوری چشمگیر داشت و در ۲۵ فیلم و ۱۳ سریال بازی کرد. از مهمترین این آثار می‌توان به «دلشدگان»، «نار و نی»، «مدرسه پیرمردها» و «سریال» (امام علی» اشاره کرد.

تاریخ

تاسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی



فضای ملتهب دانشگاه در ابتدای پیروزی انقلاب، موجب شد امام‌خمینی در پیام نوروزی ۱۳۵۹ خواستار انقلابی اساسی در دانشگاه‌های کشور شود. با ادامه درگیری‌ها در دانشگاه، شورای انقلاب، تمام دانشگاه‌ها را از ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ تعطیل اعلام کرد. امام‌خمینی که انقلاب فرهنگی را امری اسلامی و ملی می‌دانست و تأخیر در آن را فاجعه می‌شمرد، فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را صادر کرد. این ستاد در ۲۷ آذرماه ۱۳۶۱ با گزاشایی دوباره دانشگاه‌ها را اعلام کرد. ستاد انقلاب فرهنگی در ۱۹ آذرماه ۱۳۶۳ با حکم امام‌خمینی به «شورای عالی انقلاب فرهنگی» تبدیل شد. در همین حکم امام‌خمینی افزون بر اعضای سابق ستاد، رؤسای قوای سه‌گانه (آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی و اکبر هاشمی رفسنجانی)، محمدرضا مهدوی کنی، سیدکاظم اکرمی وزیر آموزش و پرورش، سیدرضا داوری، نصرالله پورجوادی و سیدمحمدرضا هاشمی را به عضویت در این شورا منصوب کرد. گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه و اعتلای فرهنگ عمومی، تزکیه محیط‌های علمی و فرهنگی از افکار مادی و نفی مظاهر غرب‌زدگی و تحول دانشگاه‌ها و مدارس، از جمله اهداف آن بود.

ادامه سر مقاله

البته این سیاست منطبق با رفع تبعیض بود؛ ولی اصل ظلم فیلترینگ را رفع نمی‌کند. از این رو، نامه نیروز وزیر ارتباطات به دبیر شورای عالی فضای مجازی گامی به‌سوی شفاف‌سازی این مسئله تلقی می‌شود. این نامه که خطاب به سیدامین آقامیری دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی است، خواهان انتشار گزارشی جامع و کامل از خطاهای سفید شده است. نامه کوتاهی که متضمن نکات مهمی است. از جمله نشانگر آن است که:

❖ برخلاف تصور رایج که دولت را مسئول وضعیت کنونی فیلترینگ می‌داند، این نامه نشان می‌دهد که نهاد غیاب پاسخگوی شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی عملاً سیاستگذار اینترنت هستند و البته به‌جای اینکه مرکزی ملی باشند، مرکز تعدادی معدود به اندازه خطاهای سفیدسفرشی شده‌اند و اختیار فضای مجازی در دست شورا و این مرکز است. نامه همچنین تصریح می‌کند که سیاست رسمی رئیس جمهور مغایر سیاست موجود شورا است و ایشان و دولت همچنان پیگیر تحقق وعده خود برای رفع فیلترینگ است. سیاست مسدودسازی ارتباطی به دولت پزشکیان ندارد و میراث دولت گذشته است.

❖ اعتقاد راسخ دولت که سیاست جاری موجب نارضایتی مردم شده است را تأکید می‌کند و تأکید دارد که وظیفه دولت اهمیت دادن به مردم و رفع نارضایتی‌های مردم است.

❖ از نظر وزارت ارتباطات رسیدگی به مسئله دارای قید اهمیت و فوریت است و باید در اسرع وقت این شفاف‌سازی انجام شود.

❖ نامه نمی‌خواهد که مرکز ملی فضای مجازی گزارش خود را به رئیس جمهور یا وزیر دهد. بلکه تأکید دارد که مستقیماً خطاب به مردم منتشر شود، چون صاحب حق و پرسشگر واقعی مردم هستند.

در هر حال، انتظار داریم که مخالفان آزادی اینترنت که سیم‌کارت‌های خود و خانواده‌شان سفید است؛ بیش از این در برابر خواست بحق مردم ایستادگی و لجاجت نکنند. این کار نه به سود خودشان است و نه به سود حکومت و نه به سود کشور است. این ناخردانه‌ترین سیاست جاری است؛ حتی از سیاست قیمت حامل‌های انرژی و سیاست حجاب هم بسیار ناآرام‌تر و بدتر است.